

موجب این قطعات شده هیچگونه ذکری نشده و بنابراین برای خواننده محقق نمی‌تواند مفهوم گردد و موجب راهنمایی باشد که براساس آن به فرهنگ عامه و لغات لهجه‌های جهانگیری بتوان پی برد.

همانگونه که در نقد کتاب "فرهنگ بستکی" هم نوشته‌ام کار و همت مؤلف و ناشر قابل ستایش است ولی برای آنکه در مجموعه فرهنگ عامه ایرانی این دو کتاب قابل استفاده همه اهل زبان و همه فارسی‌زبانان و همه محققان قرار گیرد و به غنای فرهنگ عامه کلی ایران و فرهنگ لغات فارسی کمک شایسته نماید، امید به تجدید چاپ آن داریم.

محمود طاووسی (شیراز)

اولین سفرای ایران و هلند

شرح سفرنامه موسی بیگ سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه یان اسمت سفیر هلند در ایران - ترجمه و نگارش دکتر ویلم فلور ایرانشناس هلندی به گوشش داریوش مجلسی و دکتر حسین ابوترابیان، ناصرطهوری، تهران ۱۳۵۶، ۱۴۲ صفحه، ۲۵۵ ریال.

پژوهشگران رشته‌های تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و مطالعه سفرنامه‌هایی که در سالیان گذشته در باره ایران نوشته شده یکی از ارکان مهم پژوهش است. برای دسترسی به همه منابع تحقیق در زمینه تاریخ و روابط سیاسی و تجاری ایران تا زمانیکه کتابهایی از این دست فراهم نیامده مشکلات فراوانی وجود دارد، و بی اینها کار پژوهش در زمینه‌های روابط فرهنگی و تاریخی و سیاسی و... نه تنها آسان نیست که امکان‌ناپذیر است و چنانچه نخست افرادی آگاه و علاقمند پیدا شوند و تا آنجا که دسترسی و آگاهی و امکان دارند، بتوانند گوشه‌هایی از این وقایع و روابط را روشن سازند، گامی در راه این روشنگری تاریخ و فرهنگ ایران برداشته‌اند.

کتابی که مورد بحث ماست و به‌وسیله کتابخانه طهوری با چاپی نفیس و با حروفچینی پاکیزه و کاغذ خوب منتشر شده گونه‌ای است که در روشنگری کوششی در خور توجه است.

به‌قول نویسنده: "با اینکه هلند در دوره صفویه (سالهای بعد از ۱۶۲۳ میلادی)

مهمترین طرف تجارتي ایران به‌شمار می‌آید تاکنون توجه و اقبال پژوهندگان ایرانی را

به خود جلب نموده است. " (پیشگفتار، ص ۷)

در اینجا نخست باید به همت ناشر آفرین گفت. چه در این آشفته‌بازاری که هرکس از سرمایه‌ای که در کار نشر کتاب می‌گذارد چشم برداشت سودی چندین برابر آن را دارد، عرضه کردن اینگونه کتابهای تخصصی جز همت والا و عشق به تاریخ و فرهنگ ایران* نمیتواند جنبه دیگری داشته باشد.

کتاب چنانکه از نامش برمی‌آید تاریخ نخستین روابط تجاری (سیاسی) ایران در عهد حکومت صفویه است با دولت هلند و دربر دارنده سه فصل است و پیشگفتاری در زمینه موضوع و مختصری در ترجمه حال نویسنده به همراه ضمیمه و تصاویری از فرامین دوتن از شاهان صفوی.

فصل اول در آغاز روابط تجاری ایران و هلند است. در این فصل پس از مقدمه‌ای در باره چگونگی ایجاد روابط تجاری بین ایران و هلند و آگاهی خواننده از آن به متن قرارداد و موافقت‌نامه ۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ بین ایران و هلند میرسیم که به مهر و امضاء شاه عباس اول رسیده که بررسی آن برای علاقمندان به تاریخ روابط تجاری ایران بسیار مفید است. افزون بر آن دو فرمان در زمینه همین قرارداد را بدنبال دارد از امام قلی‌خان والی فارس، اولی به داروغه کل لارو مأمورین طرق که از چگونگی وضع راهها و عبور و مرور کشور و تأمین امنیت راهها و راهداری آن روزگار و نحوه پرداخت عوارض و حق راهداری و غیره آگاهی‌هایی میدهد که قابل توجه است و دومی به سلطان نشین هرمز و بندرعباس است که به طرز آمرانه‌ای دستورات لازم را به نمایندگی از طرف شاه برای تأمین وسایل رفاه و امنیت اتباع هلند داده است و نیز این فصل از چگونگی روابط و رقابتهای استعماری - تجاری بین انگلیسها و هلندیها برای کسب امتیاز بیشتری به نفع خود از دولت ایران گفتگو میکند.

فصل دوم در چگونگی سفارت موسی بیک است که وقایع مربوط به آنرا که از سال ۱۶۲۵ شروع می‌شود دربر دارد و شرح رفتار زنده اولین سفیر ایران "موسی بیک" در هلند است که خواننده ایرانی را دچار تأسف و شرمزدگی می‌کند. ولی ظاهراً این اولین و آخرین سفیری نبوده که نتنها حفظ شئون کشور خود را نکرده که سبب بی‌آبرویی ایرانیان هم شده است. (نک، ص. ۵۳ به بعد و نیز سایر صفحات.)

فصل سوم، سفرنامه "یان اسمیت" اولین سفیر هلند در ایران است که از ۲۶ ژوئیه سال ۱۶۲۸ شروع و به ۱۴ ژوئن ۱۶۳۰ خاتمه می‌پذیرد و بطوریکه در مقدمه این فصل از نامه ویس نیخ (نخستین نماینده تجاری کمپانی هند هلند) که به عنوان روئے‌سای کمپانی

است برمیآید: "در اینجا بطور آشکار گفته می‌شود که کمپانی با فرستادن اشخاصی مانند "یان اسمیت" (به سفارت هلند در ایران) سعی نموده که در مقابل اعزام موسی بیک را برای ایرانیان بازسازی کند... (ص ۶۱)

سفیری که به دربار ایران فرستاده می‌شود (یان اسمیت) تاجری ورشکسته است که دست‌کمی از موسی بیک از نظر سیاست و عدم کاردانی ندارد، ولی به‌منظر نویسنده کتاب یان اسمیت در دوره سفارت خود یک عمل مثبت و ارزشمند به‌انجام رسانده که همانا، نوشتن خاطرات این مأموریت است و مطالعه آن باعث می‌گردد که بر اطلاعات ما از آندوران افزوده گردد (ص ۶۲).

پیش از ترجمه اصل سفرنامه یا خاطرات یان اسمیت از زبان هلندی به فارسی، دستورالعمل شورای ایالات هلند در باره انتخاب و دستور کار سفیر و تشریفات را که باید وی مراعات کند، آورده شده که قابل توجه است. سپس از ص ۶۷ ترجمه فارسی اصل سفرنامه آورده شده که بازگو کننده عقیده و نظر یان اسمیت و شرح کاخها و چگونگی راهها و مجالس پادشاه و یاد کردن بعضی از اعمال و افکار شاهان صفوی است که ذکر مختصری از آنها کافی نیست و خواننده خود باید به آن مراجعه کند.

نویسنده کتاب دکتر ویلم فلور متولد سال ۱۹۴۲ در شهر اوترخت هلند است که دکترای خود را در جامعه‌شناسی از دانشگاه لپدن گرفته و سفرهایی به ایران و دیگر نقاط شرق نموده و چند بار هم در ایران بوده و علاوه بر مطالعات خود در زمینه تاریخ است که تفصیل آنها در صفحه ۶ کتاب آمده است.

رویه‌مرفته این کتاب نه تنها برای پژوهشگران و دانشجویان رشته تاریخ مفید و قابل مطالعه است که خواندن آن برای سایرین نیز خالی از فایده نیست و کار نویسنده گرانقدر دکتر ویلم فلور و دوستان ایرانی ایشان آقایان داریوش مجلسی و دکتر حسین ابوترابیان و ناشر سزاوار ارج نهادن است.

در مطالعه این کتاب ارزنده به نکاتی برخوردیم که یادآوری آنها را لازم شمردم، باشد که در چاپ بعدی مورد توجه قرار گیرد و خوانندگان نیز هنگام خواندن کتاب در نظر داشته باشند.

۱- ص ۱۶ ".... همزمان با این اقدامات، هلندیها با یمن (مکه) هم باب تجارت را باز نمودند. شکل لاتینی بیشتر اسمهای خاص در زیرنویس کتاب آورده شده، اما در اینجا نوشتار لاتینی (مکه) نوشته نشده و خواننده بدون هیچ مشکلی تصور میکند که هلندیها با یمن و مکه روابطی تجاری باز نموده‌اند، در حالیکه مکه زیارتگاه مهم و شهر

مقدس مسلمانان نمیتوانسته محل آمد و رفت هلندیها باشد. ضمناً مکه بندری نیست که کشتیهای تجاری به آن وارد شوند و جائیکه در این کتاب با شکل مکه آورده شده آن شهر مقدس مذهبی ما مسلمانان که غیرمسلمین را به آن راهی نبوده نیست و منظور شهر موکا Mocha یا Almochaالمخاست که در یمن و جنوب غربی شبه جزیره عربستان واقع شده نه شهر مکه. این مطلب عیناً در صفحه ۱۹ کتاب نیز آمده و به شکلی که بر خواننده اشتباه می شود چه در ص ۱۶ یمن و سپس در کمانکها (مکه) نوشته شده که آوردن واژه کاخ در داخل () ممکن است خواننده را کمی به تأمل وادارد. اما در این جا (ص ۱۹) چنین می خوانیم: "دریاسالار . . . امتعه تجاری را به صوب یمن و مکه فرستاد." خواننده حتماً به اشتباه می افتد و تصور شهر مکه مکرمه را در ذهن می آورد و چنانکه گفتیم این شهر المکا است که امتعه تجاری به صوب آن فرستاده می شود نه مکه قبله گاه مسلمین. **

۲- در صفحه ۳۵ تاجر مخصوص شاه (ملکالتجار) و در صفحه های دیگر کتاب ترکیب ملکالتجار به تاجر مخصوص شاه ترجمه شده است که هر ایرانی می داند که ملکالتجار یعنی بزرگ تاجران، یا پادشاه تاجرها و یا رئیس بازرگانان یک شهر یا یک ناحیه یا یک کشور (نک: فرهنگ معین).

این ایراد را نه به آقای دکتر ویلم فلور (که فارسی را پیش خود و فقط با چند ماهی در ایران بودن آموخته) که به دوستان ایرانی خود آقایان دارپوش مجلسی و دکتر ابوترابیان که با آثار و نوشته های ایشان کم و بیش آشنایی داریم وارد می دانیم. آمدن نام اینان بر روی کتاب این امید و اطمینان را به خواننده می دهد که ایشان نخست خود کتاب را خوانده و لغزش های نویسنده را که تازه فارسی آموخته مرتفع ساخته باشند.



پاورقی

* - اشاره است به کتابهایی که این ناشر زیر عنوان "زبان و فرهنگ ایران" چاپ می کند و تاکنون ۸۵ جلد از این قبیل منتشر ساخته است.

** همان بندری است که در قدیم الایام به علت حمل و نقل قهوه شهرت داشت و کلمه "موکا" از آنجا بر Mocha و Moka (قهوه) اطلاق شده است. (آینده)

مجموعه شعر علی صدارت (نسیم) - تهران - ۱۳۵۷

سال هزار و سیصد و یازده شمس، نزدیک به نیم قرن پیش بود که عصرهای جمعه در خانه یکی از دانشمندان محفلی تشکیل میشد که چندتن از شاعران نامدار و استادان معروف در آن شرکت میکردند و دانش پژوهان و اهل ذوق هم برای استفاده اجازه شرکت در محفل را داشتند. من که در آن تاریخ دوره دوم دبیرستان را در دارالفنون (مدرسه امیرکبیر) آغاز کرده بودم و گاهی کلمات را بدنبال هم ردیف کرده چیزی بنام شعر میساختم و عاشق غزل‌های ناب بودم و از چند سال پیش از آن به تشویق پدرم با دیوان سعدی و حافظ انس و الفت داشتم و غزل خوب را از هر کس که بود میشناختم و از آن لذت میبردیم بهمین جهت جمعه شب‌ها در آن مجلس ادبی شرکت میکردم. در یکی از شب‌ها جوان ناشناسی با یکی از اعضای انجمن وارد شد و بمعرفی او و خواهش اهل انجمن به پشت میز خطابه رفت و با آزریم بسیار غزلی خواند که شگفتی و اعجاب همه را برانگیخت تا آنجا که باصرار استادان خواندن غزل را تکرار کرد. چند بیت آنرا در اینجا مینویسم:

نه چنان ز آشنایان بودت سر جدائی
گره ایست هر ستاره که بود بکار گردون
به برون خرام و تیری به تفرجی رهاکن
ز گل آنچنان که سرخی نرود بسمی باران
و چند بیت دیگر از همین قبیل. آنشب غزلی از سعدی مطرح شد که شاعران انجمن استقبال کردند. هفته بعد که انجمن تشکیل شد شاعرانی که در مسابقه شرکت کرده بودند غزل‌های خود را خواندند ولی غزلسرای تازه وارد برنده شد. همین پیروزی رشک چند تن از مدعیان شاعری را برانگیخت. یکبیت آن غزل اینست:

چون نشود خال تو سیاه؟ که عمری است
با تن عریان در آفتاب نشسته است؟
این سراینده جوان که با آغازی چنین درخشان و موفقیت آمیز بمحافل ادبی راه یافته بود و بعدها یکی از غزلسرایان طراز اول این کشور شناخته شد آقای دکتر علی صدارت متخلص به نسیم است. صدارت نخستین مجموعه شعر خود راهنگامی که رئیس دادگاه‌های

بخش و بعد رئیس دادگاههای شهرستان شیراز بود در آن شهر منتشر کرد و نسخه‌های آن بزودی نایاب شد. تاریخ انتشار نخستین دفتر شعر آقای دکتر صدارت سال ۱۳۲۰ بود. آقای دکتر صدارت گذشته از غزل در انواع قالب‌های شعر طبع آزمایی کرده و مضامین اجتماعی و فلسفی بسیاری را در قطعات و قصائد گوناگون برشته، نظم کشیده و در همه آنها استادی و توانایی خود را تا آخرین مرحله به اثبات رسانده‌اند.

مجموعه اشعار ایشان که دیوان تازه‌ای از آثار ارزنده ایشان است در سال ۱۳۵۷ بنام سپیده در تهران انتشار یافت و کسی جز سخنسرایان و سخندانان واقعی به ارزش آن پی نبرد. شاید بعلت تعارن تاریخ انتشار آن با آغاز انقلاب بود که انعکاس شایسته‌ای در مطبوعات پیدا نکرد. اما بقول پروین اعتصامی: زمانه زرگر نقاد و هوشیاری بود. سپیده دیوانی است پر از غزلهای ناب و اشعار برگزیده در مضامین گوناگون که غالب آنها در باره مسائل جاری روز و انتقاد از اوضاع نابسامان اجتماعی است. از آن جمله شعری است بنام مجسمه آزادی که در سال ۱۳۵۰ سروده شده و یادگار سفر ایشان بامریکا و شهر نیویورک و دیدن مجسمه آزادی در ساحل این شهر است. ایسن منظومه چنین آغاز میشود:

استاده زنی مشعل افروخته در دست
این پیکره ز آزادی گویند نشان است
ز این مشعل از آنجا بجهان نور فشانند
وز بر تو آنست اگر زنده جهان است
اورابدگر دست کتابست و بدینسان
آزادی اندیشه نمودار از آن است
گفتار چنین است فریبنده و دلکش
افسوس که کردار در این ره‌نجان است
زین مشعل افروخته امروز نخیزد
جز دود و از این دود جهان را خفقان است
و با خطاب بمجسمه آزادی مظالم امریکا را نسبت بملت‌های ضعیف با بیانی جانسوز
دلنشین بیان کرده و در دورانی که هیئت حاکمه کشور ما تابع نظریات امریکا بودند
در تهران منتشر کردند که باید آنرا در دیوان ایشان خواند. از جمله میگویند:

بس دزد بسعی تو بود قافله سالار
بس گرگ به نیرنگ تو بر گله‌شبان است
این قطعه بلند سیاسی با امید پیروزی محرومان باین صورت پایان میگردد:

هشدار که این شعله فرو میرد بپکار
زان باد که از شرق بسوی تو وزان است
این شیوه‌نه جاوید بهاید که سرانجام
بنیان کن بهداد و ستم جبر زمان است
زین بیش ز بهداد تو بر خلق چه گویم؟
"آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است"

در مرگ لومومبا رهبر آزادخواه افریقائی که چندسال پیش بقتل رسید چنین ساخته‌است:

ولی چو خون توجانسوز و دلگداز نبود
 اگرچه ریخت بسی خون بسراه آزادی
 حدیث مرگ تو سطری ز افتخار افزود
 فراز صفحه خونین عشق و جانبازی
 جهان بسوگ تو ماتم گرفت لیک چه سود؟
 زمین ز مرگ تو لرزد بخود ولی چه ثمر؟
 تو را به بند بلا درفکند و شد خشنود
 هراسناک و سراسیمه دیو استعمار
 این شعر زیبا که بعنوان "فاجعه سیاه" (ص ۲۸) بچاپ رسیده و باید تمام آنرا
 بدقت خواند نیز با امید بشکست استبداد و بهروزی استعمار زدگان باین صورت پایان
 میپذیرد:

هنای کاخ ستم در جهان نهاید دیر
 هراس و وحشت زودا که رخت بندد زود
 شب ارچه تیره و تار است اندکی بشکیب
 "که صبح خنده زند خنده های خون آلود"
 هنگام مرگ برتران در اسل فیلسوف آزادپخواه و متفکر عصر نیز بهاس خدمات او به
 آزادی و صلح قطعه شیوایی سروده اند که با این بیت آغاز میشود:

بسوگ او چه سرایم که نیست کاری خرد
 جز آنکه گویم با مرگ او فضیلت مرد
 در این قطعه خدمات او را بصلح و جهادی را که در راه مبارزه با ستم در تمام
 عمر کرد ستوده و از جمله گفته است:

کسی که خرمن بیداد را شراری بود
 چو آتشی که باآش درافکنند افسرد
 جهان ز بیم عتابش بخویش میلرزید
 چو در مصائب مردم ز دیده اشک افشرد
 گزافه نیست گر او را بهمبری خوانسم
 که در رسالت خود دوره کمال سپرد
 دمی ز خدمت مردم بخود نمی پرداخت
 طریق مکرمت و مردمی بهایان بسرد
 جهان ز شور تهی شد اگرچه یکتن رفت
 نماند مرد بگیتی اگرچه بکتسن فسرد
 منظورم از ذکر این مطالب اینست که شاعر آزاده نه تنها احساسات درونی و
 اندیشه های شخصی را موضوع سخنسرایی میسازد و از روی کمال خودخواهی فقط درباره

غم های خود مرثیه خوانی میکند بلکه با نظری وسیع و نگاهی ژرف حوادث پیرامون خود
 را چه در داخل کشور و چه خارج از آن مینگرد و از آن جریانها در سرودن اشعار ماندگار
 الهام میگیرد. فی المثل تحت تأثیر آنچه از زبان استاندار سیستان و بلوچستان در کنفره
 سال ۱۳۳۴ استانداران شنیده بود که: "روزی برای سرکشی بدستانی رفته بودم دیدم
 تعطیل است. علت را پرسیدم گفتند بچه ها را برای چه بصررا فرستاده ایم" (داستان
 سیاه) را با بیانی دلگداز و اشک انگیز می سراید:

شنیده اید بمرکان بکودکی چه گذشت؟
 در آن زمان که ز کف داد دامن مادر
 بمرمد مادر از فقر و تنگدستی رست
 ز فقر نیست در این ملک جز بمرگ خبر

و پس از بیان ماجرا منظومه را با این ابیات خاتمه می‌دهند:

خورند مردم مکران و خاش خون جگر
 که بیدریغ در این سرزمین رود بهدر
 گره‌گشای جهان و کلید گنج هنر
 شوند روزی گل‌های نغز جان پرور
 گیاه خوار بود آدمی زهی کشور!
 فسانه‌ایست که عقلش نمی‌کند ساور
 فراز گنج برنج اندرند شام و سحر
 وز آتشی که نهانست زیر خاکستر

به سرخروئی تن پروران ری تا چند
 دربع از آنهمه هوش و توان و ذوق و نبوغ
 به تربیت چه سر انگشت‌ها تواند گشت
 چه غنچه‌ها که اگر از سموم فقر رهند
 بشر چرا کند اینجا! فری‌خجسته دیار!
 چنین حکایت ننگین و داستان سیاه
 گرسنه مردم چون جانور خورند گیاه
 ز خشم و نفرت مردم چرا بهره‌یزند؟

در "سپیده"، گذشته از غزل که بیانگر احساسات شخصی و درونی شاعر است قطعات، قصائد، مثنوی‌ها، دوبیتی‌ها در مضامین و موضوعاتی که همه باب روز و سخن عصر و زمانه است می‌خوانیم نظیر آغاز کار، گریز، تخت‌جمشید، ای اشک، تصویری از جوانی، سیل، اتیلا و اتلی، برای آزادی، دفاع شاعر، سرگذشت بشر، آرزوی شاعر، زندان، دخمه، سوم، چرا می‌گریزم، حافظ، مرگ تا گور، دهقان، نغمه، روح، شاهکار عفت، جنایت زعتر، افسانه، حقوق بشر.

در پایان مقال اجازه می‌خواهم گستاخانه این نکته را بیفزایم که تنها نقطه ضعف و لکه سیاهی که نگارنده در سپیده می‌بیند تکرار و اقتباس بعضی از مضامین است. آنهم در بخش غزلها و بخصوص غزل‌های دوره جوانی شاعر (و نه بخش قطعات و قصائد و مثنویها و دوبیتی‌ها) که گاهی با اندک تغییر و رنگ آمیزی خاص و گاه عیناً آمده است، آنچنان مضامینی که از زمان سعدی به بعد تا امروز در میان تقریباً تمام غزلسرایان ایران دست‌به‌دست گشته است و در حقیقت ایراد واردی است بر غزل فارسی.



Iranian studies

مجله مطالعات ایرانی

مرکز تهیه سازمان کتاب - تلفن ۲۷۰۸۱۵